

معماری منظر؛ گستره‌ای بی انتها

مهدی زندیه^{۱*}، مهسا سحرخیز^۲

تاریخ دریافت مقاله :

۱۳۹۶/۰۶/۲۱

تاریخ پذیرش مقاله :

۱۳۹۶/۱۲/۱۲

چکیده

منظر، پدیده‌ای است که در دهه های اخیر به طور جدی وارد فضای علمی و حرفه‌ای شده و به دلیل همین نوپا بودن، چالش‌ها و سؤالات بسیاری در حوزه تعریف آن بوجود آمده است؛ سؤالاتی کلیدی همچون این مسئله که در واقع تعریف معماری منظر چیست و پروژه‌های منظر به کدام پروژه‌ها گفته می‌شوند. از سویی دیگر به دلیل خاصیت میان رشته‌ای آن، تعریف مرز معماری منظر و طراحی شهری چالش برانگیز و قابل بحث است. با شنیدن نام منظر در وهله اول به احتمال زیاد، مفهوم فضای سبز و حضور قطعی آن در ذهن عموم تداعی می‌شود؛ لذا از دیگر مسائل مورد بحث در این زمینه، حد ارتباط و پیوستگی منظر با محیط زیست و طبیعت و نحوه ارتباط آن‌ها با یکدیگر است. در این مقاله سعی شده است پاسخی برای برخی از این ابهامات روشن شود. تصویری که در اذهان عموم و حتی متخصصان حوزه معماری و شهرسازی وجود دارد غالباً تصور جامعی از معماری منظر نیست؛ طراحی باغ و پارک و ایجاد سبزی‌نگی اگرچه در محدوده فعالیت های معماران منظر قرار می‌گیرد، اما در حقیقت معماری منظر محدود به این بخش نمی‌شود و در مفاهیم عمیق تر و مقیاس های گسترده تری گنجانده می‌شود؛ منظر دیدگاه جدیدی در ارتباط انسان و محیط ارائه می‌دهد که به تفسیر فضا می‌پردازد؛ از مکان به عنوان وجود واحدی یاد می‌کند که دو بخش بیرونی (ماده) و درونی (ذهنی) آن قابل تفکیک نیستند.

این مقاله ضمن مروری بر تعاریف صاحب نظران حیطه منظر و بیان ضرورت و اهمیت آن، اصول مهم و حیاتی جهت تداوم معماری منظر در آینده را بیان می‌دارد. به نظر می‌رسد منظر در جهان آینده عهده دار مسئله نیاز انسان به مکان آشنا و مطلوب باشد. این که منظر از ضوابط آینده شناخته شود، اقدامی آینده نگر برای مسائل جامعه فردا می‌باشد.

کلمات کلیدی: محیط، طبیعت، معماری منظر، طراحی شهری، تداوم معماری منظر

^{۱*} دانشجوی کارشناسی ارشد معماری و شهرسازی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، mahdi_zandieh@yahoo.com

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد معماری منظر دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

مقدمه

که هر یک صفتی از رشته دیگر را با خود دارد. در برنامه منظر شهری، شهر به مثابه منظر تلقی می‌شود و سایر رشته‌های مرتبط با آن ذیل منظر مورد توجه قرار می‌گیرد (منصوری؛ ۱۳۹۲).

حال آن که برای ارتقاء کیفیت شهر، تخصص‌های مختلفی در این حوزه، دخیل هستند و تصور اکثریت آن‌ها بر پایه جهان دوقطبی دکارت بنا شده است. این امر موجب می‌شود که برای دخالت در شهر تنها ابعاد کالبدی آن در نظر گرفته شود و در نتیجه جنبه‌های اجتماعی و معنایی آن کمتر مورد توجه قرار گیرد. اما منظر این جهان دوقطبی را در هم می‌شکند و آن را موجودی مستقل از زمان و مکان نمی‌پندارد بلکه آن را موجودی پویا و در حال حرکت می‌بیند که تغییر می‌کند و با خود، دامنه فرهنگ، جامعه و نگاه انسان را نیز تغییر می‌دهد. در جامعه امروز ایران، جایگاه منظر شهری در اسناد توسعه و راهبردی شهر مشخص نیست و با نوعی سطحی‌نگری مواجه است. در حالی که حرفه و تنوع معماری منظر از زمان تأسیس انجمن معماران منظر آمریکا (ASLA) در سال ۱۸۹۹ در سطح جهان، گسترش زیادی یافته است (پاکزاد؛ ۱۳۸۸). سطحی‌نگری آن در ایران باعث شده تنها به اقدامات عملیاتی - اجرایی در سطح تکنیک پرداخته شود.

طرح مسئله: متأسفانه اغلب مشاهده می‌شود فهم ناقص از معماری منظر در حوزه‌های علمی و تخصصی تنها به اقدامات کالبدی صرف در شهر می‌انجامد. در حالی که شهر در نگاه امروز، تنها در کالبد خلاصه نمی‌شود، بلکه روحی را درون خود در جریان دارد که همزمان و توأمان حاصل تعاملات اجتماعی و حیات مدنی در فیزیک و کالبد شهر است. از طرفی امروزه گسترش مفاهیم و مبانی

شیوه رایج علم مدرن، نادیده انگاشتن مقولاتی است که ماهیت آن‌ها را نمی‌شناسد. اگر تجربه و ادراک ملموس انسان‌ها از محیط به "وجود" چیزی گواهی دهد، تا زمانی که آن چیز به توصیف علم در نیامده باشد، وجود رسمی و پذیرفته شده نخواهد داشت. این دوره ممکن است چند دهه طول بکشد؛ سرنوشتی که برای "منظر" رخ داد. منظر، اگر چه در محیط باغ و با رویکرد تزئینی پدید آمد، اما در ادامه تحولات خود توانست مکانیسم ادراک انسان از مکان را تثوریزه کند. منظر، دیدگاهی جدید در ارتباط انسان و محیط است که به تفسیر فضا می‌پردازد؛ از مکان به عنوان وجود 3 واحدی یاد می‌کند که دو بخش بیرونی (ماده) و درونی (ذهنی) آن قابل تفکیک نیستند. نگاه منظر به فضاهای بیرونی، ناشی از پایگاه فلسفی و دکترین حاصل از شکستن نگاه کلاسیک علمی به انسان و هستی است. این جایگاه در ایران مبنای برنامه ریزی توسعه رشته منظر قرار گرفت. مجموعه‌ای از رشته‌های تخصصی از جمله منظر شهری، منظر فرهنگی، آمایش منظر سرزمین، باغ ایرانی، مطالعات منظر، برنامه ریزی و مدیریت منظر و عناوین مشابه زیر شاخه معماری منظر تعریف شد. این کار به پشتوانه دو اصل مربوط به ایران و منظر صورت گرفت: اول، فرهنگ ایران آماده ادراک فهم امروز از منظر است. قدیمی‌ترین باغ‌های جهان، در ایران پدید آمده و فرهنگ منظرین در جامعه ایران به وضوح پیداست. دوم، رویکرد جدید در تغییر جایگاه منظر از "یک فاکتور میان رشته‌ای" به "زمینه اصلی" است. در نتیجه رشته‌های نو، گونه‌ای از منظر را موضوع برنامه ریزی قرار می‌دهند



نظری رشته‌های طراحی شهری و معماری منظر و همپوشانی آن‌ها در فرایند ارتقای کیفیت عرصه‌های عمومی شهری بر میزان سردرگمی و ابهام نقش و حیطة فعالیتی میان این دو رشته افزوده است.

فرضیه: تبیین مفهوم منظر در ارتباط با طبیعت و محیط، درک معماری منظر را تسهیل خواهد کرد. مرور تعاریف معماری منظر از دیدگاه صاحب نظران خارجی و داخلی، مرز این رشته با طراحی شهری را روشن می‌کند. معماری منظر صرفاً در پی آراستن محیط نیست؛ زیرا هم با ذهن سر و کار دارد هم با عین و بسته به جریان‌ات زمانه بنا بر اعتقادات مردمان، در حال دگرگونی است. منظر در جهان آینده عهده دار مسئله نیاز انسان به مکان آشنا و مطلوب است. بنابراین بیان اهمیت معماری منظر در متن زندگی شهری و اصولی جهت تداوم آن در آینده از جمله الزامات ارتقای کیفیت محیط‌های شهری می‌باشد.

مفهوم منظر در ارتباط با طبیعت و محیط

واژه طبیعت در فرهنگ لغت فارسی، معانی گوناگونی دارد که مهم‌ترین آن به معنای بخشی از جهان است که انسان در ساخت آن دخالتی ندارد؛ بخشی که در بردارنده کوه و دشت و دریا و گیاهان و جانوران و از یک جنبه، در بردارنده "منظر" است. واژه محیط نیز به معنای احاطه‌کننده، فروگیرنده و چیزی است که اطراف چیز دیگر را بگیرد. همچنین به معنای جایی که انسان در آن زندگی می‌کند؛ از کشور یا شهر، جامعه یا خانواده. (فرهنگ‌های معین و عمید؛ ۱۳۵۳، ۱۳۵۰)

بر این اساس، واژه محیط زیست (Environment) نیز به معنای لایه نازک حیات و پشتیبان‌های آن است که به طور کلی زیست‌کره نامیده می‌شود و شامل هوا، خاک، آب و موجودات زنده است. همچنین محیط زیست به معنای جوی است که کره زمین را از زیان‌های حاصل از تابش بیش از حد اشعه فرابنفش در امان می‌دارد و حیات را امکان‌پذیر می‌سازد.

در همین زمینه، محیط زیست طبیعی نیز به مجموعه عوامل زیستی و غیرزیستی (بیوفیزیکی) گفته می‌شود که بر زندگی یک گونه تأثیر می‌گذارد یا از آن تأثیر می‌پذیرد. با این معانی، تفاوت طبیعت با محیط زیست در این است که تعریف طبیعت شامل مجموعه عوامل طبیعی، زیستی و غیرزیستی می‌شود که منحصراً در نظر گرفته می‌شود، در حالی که محیط زیست شامل کلیه برهم‌کنش‌های میان انسان و طبیعت است.

طبیعت و محیط نقش بسیار مهمی در محتوای منظر و مفهوم آن دارد. این موضوع به ویژه در قالب فعالیت‌های "معماری منظر" و جلوه‌های گوناگون آن در ایران به خوبی تبیین شده است. در این مورد، حوزه عمل و مقیاس توجه نیز از آمایش سرزمین و قلمروهای بزرگ محیط طبیعی تا جزئی‌ترین اشکال و احجام را در حوزه‌های شهری و روستایی دربر می‌گیرد. به علاوه، کیفیت‌های مطرح در زمینه‌های ادراک محیط، حس مکان و حظّ زیبایی به طور ضمنی و در عمل، همواره متأثر از طبیعت و فرایندهای محیطی بوده که از این جنبه نیز آموزه‌های بسیاری در بردارد (تقوایی، ۱۳۹۱: ۸). در واقع "محیط‌هنگامی مفهوم منظر را دربر دارد که مردم بتوانند آن را درک کنند. نکته مهم این که تفاوت‌هایی متناسب با شناخت درونی انسان‌ها از آنچه به



<p>فعلی ما محسوب می شود" (۱۳۸۲:۹۱).</p>	
<p>منظر آن بخشی از محیط است که بر روی کنش و واکنش شخص و نتایج اعمال او تأثیر می گذارد. در این بخش اطلاعات بالقوه محیط به کیفیتی مستقیماً محسوس تبدیل می شود (۱۳۸۵: ۱۰۱).</p>	<p>دکتر جهان‌شاه پاکزاد</p>
<p>منظر زبانی است که وسیله ارتباط انسان با طبیعت و محیط اطراف اوست. اگر مقوله منظر برای درک انسان از محیط اطرافش باشد، پس باید زبانی نیز باشد که انعکاس دهنده تمام فرایندهای محیط است. منظر ابتدائی ترین روش ثبت ارزش‌ها و باورها به عنوان میراثی با ارزش است که ادبیاتی غنی از تاریخ و فرهنگ و طبیعت دارد؛ گویی همه اجزاء یک زبان را دارا بوده و دارای الگو، ساختار و مصالح و عملکرد می باشند (۱۳۸۴: ۸۹).</p>	<p>اسپیرن کتاب "زبان منظر"</p>
<p>"معماری منظر با هدف طراحی در محیط بیرونی به ویژه در رابطه با فضای زندگی در محیط و در طول تاریخ همواره مورد توجه معماران منظر بوده است. تأکید این رشته بر کیفیت عرصه‌های طبیعی و سامان بخشی کالبد محیط در جهت ارتقای کیفیت ساختار عملکردی- محیطی و زیبایی‌شناختی آن را از موضوعات دیگر متمایز می</p>	<p>استاد مهدی شیبانی</p>

عنوان منظر نماد سازی می شود نیز وجود دارد" (Makhzumi & Pungetti, 1999: 49).

جدول ۱: این مفاهیم طبیعت، محیط زیست و منظر به ترتیب جهان شمولی بیان گردیده اند.

جدول ۱- مفاهیم طبیعت، محیط زیست و منظر به ترتیب جهان شمولی، گردآورنده: نگارندگان

<p>مجموعه عوامل طبیعی، زیستی و غیر زیستی بطور انحصاری</p>	<p>طبیعت</p>
<p>کلیه بر هم کنش‌های میان انسان و طبیعت</p>	<p>محیط زیست</p>
<p>محیط + شناخت درونی انسان‌ها</p>	<p>منظر</p>

تعاریف منظر

تعاریفی در حوزه علمی در تعریف منظر وجود دارد که همه آن‌ها از اصول مشترکی پیروی می کنند؛ در این تعاریف، اصول یکسان بوده و در جزئیات و حوزه‌های نفوذ، تفاوت‌هایی مطرح می باشد به نحوی که در واقع مکمل یکدیگرند. در جدول ۲ به برخی از این تعاریف اشاره شده است.

جدول ۲: مجموعه‌ای از تعاریف صاحب نظران در حیطه معماری منظر، گردآورنده: نگارندگان

<p>منظر بخشی از محیط است که می تواند در یک زمان خاص به آن توجه کرد و با بسترش در محیط ارتباط داد؛ به عبارت دیگر، منظر آن قسمت از محیط است که ما در آن ساکن بوده و بواسطه ادراکمان درک می کنیم. محیط همه چیز را در بر می گیرد، اما منظر جزئی از آن است که زمینه فعالیت</p>	<p>"سایمون بل" (Simon Bell)؛ پژوهشگر حوزه شهری کتاب "ادراک، الگو و فرایند"</p>
---	--



می‌کند: "وجودی نسبی و پویا، جایی که جامعه با طبیعت و منظر با محیط در تعاملی متقابل و دائمی به سر می‌برد." (به نقل از منصوری، ۱۳۸۳: ۷۲). منصوری به این تعریف شاخصه عینی-ذهنی بودن را نیز می‌افزاید که به نظر کامل‌ترین تعریف در معماری منظر می‌باشد.

(تصاویر ۱ و ۲: منظر وجودی نسبی، پویا و عینی-ذهنی است؛ جایی که جامعه با طبیعت و منظر با محیط در تعاملی متقابل و دائمی به سر می‌برد.



تصویر ۱- منظر وجودی نسبی، پویا و عینی-ذهنی است؛ جایی که جامعه با طبیعت و منظر با محیط در تعاملی متقابل و دائمی به سر می‌برد.



تصویر ۲- منظر وجودی نسبی، پویا و عینی-ذهنی است؛ جایی که جامعه با طبیعت و منظر با محیط در تعاملی متقابل و دائمی به سر می‌برد.

بر اساس آن چه از تعاریف بر می‌آید، منظر حوزه وسیعی است؛ هم طبیعت را شامل می‌شود و هم فرهنگ؛ همچنین حافظه جمعی طبیعت و فرهنگ را در خود جای داده است و طراحی منظر

<p>کند. از طرفی به دلیل مشخصات خاص و چند شخصیتی بودن آن، معماری منظر رشته‌ای واسطه است و پردازش به معماری منظر به صورت مستقل حائز اهمیت است." (به نقل از احمدی نژاد، ۱۳۸۶: ۶).</p>	
<p>منظر، دارای ماهیت مکان و محصول تجربه انسان در فضا است. اما فضای منظر، با فضای معماری تفاوت دارد. فضای منظر، کرانه‌های بارز معماری را ندارد. منظر، عرصه‌ای میانی است؛ حد واسط فضای معماری، که رنگ انسانی در آن حداکثری است و طبیعی، صورت پیرامون انسان است. در طول تاریخ، تعامل انسان و محیط، به دست جامعه و در چارچوب اقتضائات طبیعی و تاریخی، منظر را پدید آورده است؛ منظر فضای کلان زیست انسان در محیط است. منظر خود به خود پدید نمی‌آید. انسان با همه پیچیدگی‌های ذهنی خود، در فرایندی رفت و برگشتی با طبیعت و محیط، از آن‌ها اخذ و در آن‌ها رخنه می‌کند. رنگ مشترک طبیعت و تاریخ در منظر پیداست (منصوری؛ ۱۳۸۹).</p>	<p>دکتر سید امیر منصوری</p>

در میان تعاریف ذکر شده می‌توان جامع‌ترین تعریفی را که در حوزه منظر وجود دارد و به بهترین شکل مفهوم آن را منتقل می‌کند در سخنان "آگوستین برگ" یافت؛ او منظر را این گونه تشریح

قصده دارد به این مفهوم شکل دهد." (سوافیلد، ۱۳۹۰، ۱۳۷).

بنابراین منظر، شالوده‌ای است که به یکپارچگی هویت منطقه‌ای می‌انجامد و بخش مهمی از کیفیت زندگی مردم در سراسر دنیاست: در فضاهای شهری، حومه‌ها، روستاها، فضاهایی با کیفیت بالا و حتی فضاهای بی‌کیفیت؛ مؤلفه‌ای است محوری در توسعه فردی و اجتماعی. بنابراین محافظت، مدیریت و برنامه‌ریزی صحیح منظر مسئولیتی مهم برای تمام اقشار جامعه است (The European Landscape Convention, 2000).
 های سازمان یافته اندکی در رابطه با نقش منظر و ارتباط آن با پایداری محیطی وجود دارد. بسیاری از نظریه پردازان به ارتباط انسان و طبیعت و لزوم حفظ و بهره‌گیری از این تماس در محیط‌های ساخته شده اعتقاد دارند، اما این نظریه‌ها در بیشتر موارد بر دیدگاهی هنجاری نسبت به زندگی انسان تأکید ورزیده و کمتر به عنوان یک پژوهش و یک ضرورت در قالب تحقیقات سازمان یافته پرداخته شده است. از این رو نقش منظر برای یافتن منطق سازنده ارتباط بین انسان و محیط طبیعی در تعیین خط مشی توسعه مسئله اساسی است. (منصوری، حبیبی؛ ۱۳۸۹)

معماری منظر و طراحی شهری

در توسعه محیط مصنوع، حرفه -دانش‌های مختلفی باید به طور سازنده با اندرکنش مثبت و هم‌پیوند به کار آیند. این جریان باید در تمامی سطوح اعم از آموزش، برنامه‌ریزی؛ طراحی، مدیریت، اجرا و بهره‌برداری در نظر گرفته شود. برای ایجاد و خلق یک محیط همگانی بیرونی خوب؛ همکاری و تعامل مطلوب میان عناصر سازنده مکان شامل:

مردم، سازندگان، مدیران و متخصصین (طراحان، برنامه‌ریزان، جامعه‌شناسان، اقتصاددانان و...) باید برقرار شود. در این میان، قشر طراحان شامل: معماران منظر و طراحان شهری به عنوان دو حرفه اصلی طراحی محیطی، از نقشی محوری و راهبردی برخوردارند. همانطور که تعامل میان مردم، سازندگان، طراحان و مدیران بایستی صورت پذیرد، این تعامل در میان خود قشر طراحان و متخصصین نیز از اهمیتی دوچندان برخوردار است. چرا که بدون اتفاق نظر تخصصی و همکاری همه‌جانبه، برقراری تعامل سازنده غیر ممکن بوده و تداخل غیر سازنده و مخرب میان این رشته‌ها با پیش‌زمینه‌های فکری و عملی تقریباً مشابه و مشترک، رخ خواهد داد. این در حالی است که در واقعیت، موضوعاتی که با معماری منظر و طراحی شهری ارتباط دارد، در همه بخش‌ها، مرز بین هم‌پیوندی و تعامل سازنده، مخدوش و مسئله‌دار است. توسعه زمانی سازنده است که شامل هم‌پیوندی باشد. (رزاقی: ۱۳۸۸)

هدف از بیان این موضوع، شناسایی رویکردهای دانشی - حرفه‌ای رشته‌های طراحی شهری و معماری منظر در ایجاد مکان و یا به عبارتی دیگر مکان‌سازی است. مرور سوابق موضوع نشان می‌دهد که وجود همپوشانی، گسترش حوزه‌های فعالیتی و خلط برخی موضوعات و مباحث میان این دو زمینه دانشی، منجر به شکل‌گیری نوعی خلاء و ابهام میان آن‌ها در مواجهه با ساخت محیط مصنوع و طبیعی در شهرها شده است. سینا رزاقی در رساله دکتری خود با عنوان "تبیین ساز و کار مشترک معماری منظر و طراحی شهری" در صدد پاسخگویی به این سؤال اساسی بود که "مهم‌ترین نقاط همپوشانی و مشترک میان دو رشته معماری



منظر و طراحی شهری که منجر به ایجاد ابهام و تداخل در حوزه‌های دانشی- حرفه‌ای آن‌ها شده است، کدامند و نگاه متخصصین دو رشته نسبت به این مقولات چگونه است؟" یافته‌های این تحقیق مبتنی بر تحلیل کیفی متون تخصصی دو رشته در گام نخست و سپس تحلیل محتوای کمی مقالات تخصصی دو رشته در طی بازه ده ساله ۲۰۱۰-۲۰۰۰ میلادی، نشان می‌دهد که مقولات یازده گانه الگو، ساختار، زمینه، سلامتی، کاربری اراضی، فعالیت، سنت، مقیاس، تغییر، سیاست و شخصیت مکان به مثابه موضوعات مرزی مشترک میان دو رشته بوده و سهم بسزایی در ابهام‌زایی میان رویکردهای آن‌ها به مقوله مکان‌سازی دارند. همچنین بر مبنای پیمایش انجام شده از ۶۶ استاد طراحی شهری و معماری منظر داخل و خارج از کشور، این نتیجه حاصل شده است که تفاوت نگاه معماری منظر و طراحی شهری در وهله نخست به موضوعاتی با ویژگی‌های ساختاری شامل مقولات الگو، ساختار و مقیاس و در جنبه دیگر ابعاد معنایی و هنجاری هویت یعنی شخصیت است (رزاقی: ۱۳۹۰). در جدول ۳ تعدادی از تعاریف این دو رشته بیان گردیده اند:

جدول ۳- مقایسه تعاریف معماری منظر با

طراحی شهری، گردآورنده: نگارندگان

معماری منظر	طراحی شهری
هنر و علم برنامه ریزی و طراحی فضای بیرونی برای کاربرد و سرگرمی انسان (فرهنگ تخصصی انگلیسی شهرسازی).	فرایند مشارکتی و منضبط شکل دادن به جنبه‌های کالبدی برای زندگی در شهرها، شهرهای کوچک و روستاها، همچنین هنر ایجاد مکان‌ها و طراحی در متن شهری(فرهنگ

تخصصی انگلیسی شهرسازی).	هنر، دانش و حرفه‌ای میان رشته‌ای که ساماندهی و طراحی فضاهای بیرونی موضوع کار آن است. به فضاهای باز و آزاد نظر دارد که تنوع کارکرد آن در جوامع پیشرفته دنیا به شدت در حال فزونی است. (منصوری)
طراحی شهری هنر ایجاد مکان برای مردم است و شامل چگونگی کارکرد فضاها و مسائلی مانند ایمنی جامعه و نیز ظاهر آنهاست (DETR,2000).	تجزیه و تحلیل زمین با ملاحظه فرایندهای طبیعی و تولید مجدد این فرایندها از طریق طراحی با توجه به نیازهای اجتماعی و انسانی، معماری منظر است. (پل اسپریدگان)
هدف اصلی طراحی شهری ارتقای کیفیت کالبدی انسان و از آن طریق ارتقای کیفیت زندگی می‌باشد (لینچ).	هنر و علم تحلیل، برنامه ریزی، طراحی، مدیریت، محافظت و ترمیم زمین (انجمن معماران منظر آمریکا).

آنچنان که از تعاریف بر می‌آید، دید طراحی شهری به موضوعات عمدتاً دیدی کالبدی است در حالی که هدف از معماری منظر انسانی کردن محیط (تبلور ذهنیت) و سامان دادن به محیط (تبلور عینیت) است. در بیانی دیگر هدف اصلی معماری منظر طراحی فضاهای بیرونی است که در آن مفاهیم کلان در قیاس با توده ساختمانی نمودی بیشتر دارد.





طراحی و معماری منظر فرآیند آگاهانه سازماندهی، برنامه ریزی و ایجاد تغییرات فیزیکی در منظر است. معماری منظر خلق محیط و منظره های برانگیزاننده، پر معنی و پایدار است که در وهله اول بصورت ایجاد هماهنگی میان عوامل بوم شناختی، فن شناختی و فرهنگی دیده خواهد شد. این عوامل خود مدام در حال تغییر هستند و هر عنصر جدیدی که توسط طراح وارد منظر شود، موجب تغییر آن خواهد شد. بنابراین طراحی موفق منظر، با پیوند عوامل بوم شناختی و انسانی، بخشی از تکوین پویای محیط و منظر فرهنگی را تشکیل خواهد داد (ماتلاک، ۱۳۷۹). در این راستا می توان اظهار نمود که معماری منظر پدیده ای است عینی-ذهنی که هم در محیط خارج شکل می گیرد و هم در ذهن انسان پدیدار می گردد و در بیانی دیگر محصول فصل مشترک عینیت و ذهنیت است (کنت، ۱۳۷۰). معماری منظر پدیده است متافیزیکی و با روح مکان در ارتباط است.

رزاقی با مروری بر مبانی دو رشته، در نوشتار خود تحت عنوان "پیشنهاد سازوکار برای رفع ابهام معماران منظر و طراحان شهری در حوزه های مشترک" نشان می دهد که بررسی تطبیقی-تحلیلی سوابق موضوع حاکی از آن است که صاحب نظران عمده دلایل تداخل و ابهام نقش میان حرفه مندان را در قالب دسته های "اشتراکات فراوان نظری و عملی"، "رویکردهای میانی دو رشته" و "گسترش حیطه و نوع فعالیت های دو رشته" عنوان کرده اند. از طرفی تحلیل محتوای ادبیات موضوع در خصوص رفع و پر نمودن خلأ دانشی-حرفه ای میان دو رشته معماری منظر و طراحی شهری به استنتاج یک سری مؤلفه ها و راهبردهای کلی شامل: "همکاری و تعامل دو رشته"، "محتوای

آموزشی مشترک"، "تعیین نقش های حرفه ای ضابطه مند" و "ایجاد رشته یا رویکرد میان رشته ای جدید" می انجامد (رزاقی: ۱۳۸۸).

اهمیت معماری منظر

به نظر می رسد بقای انسان به عنوان یک گونه، به انطباق دیدگاه منظر یعنی سکونتگاه ها، ساختمان ها، رودخانه ها، مزارع و جنگل ها با روشی نو و پایدار بستگی دارد و نیز به شکل دادن به زمینه ها به گونه ای که ارتباط با هوا، زمین، آب، زندگی و با یکدیگر مورد توجه قرار گرفته و کمک کند تا این ارتباطات را درک و احساس نماید و بالاخره منظر هایی ایجاد شود که دارای عملکرد بوده، پایدار، با معنی و هنرمندانه باشد. همه می توانند منظر را بیاموزند، بخوانند و آنچه را می خوانند بفهمند و شعور نویی را به زندگی در شهر، حومه و روستا ابراز دارند تا قدرت بیان منظر آن گونه که حیات ما وابسته به آن است پروراند شود (اسپیرن، ۳۴: ۱۳۸۴).

معماری منظر تأثیر زیادی بر کیفیت زندگی دارد و نباید آن را به اقتصاد یا تصمیمات صرفاً حرفه ای واگذار کرد. زیرا بین الگو و فرایندهای سازنده زمین، ادراک ما از آن ها و پیوند دائمی با زیبایی ارتباط مستقیمی وجود دارد که جنبه های فیزیکی زمین را به جنبه های ادراکی منظر تبدیل می کند (بل، ۹۱: ۱۳۸۲). منظر یک فهم با اهمیت و قابل استفاده از دانش فراموش شده بشری است [Austad, 2000]. فهم و شناخت این مناظر برای حفاظت از آن ها و استفاده در طراحی ضروری است [Fry&Sarlov herlin, 1995].

مفهوم معماری منظر بیش از یک ناحیه را با کاربرد و یا عملکرد خاص در بر می‌گیرد. آنتروپ منظر را به عنوان یک مفهوم ترکیبی و یکپارچه مورد توجه قرار می‌دهد که هم به حقیقت مادی فیزیکی بر می‌گردد که از یک تعامل دینامیک مداوم بین فرایندهای طبیعی و فعالیت‌های انسانی ناشی می‌شود و هم به ارزش‌ها و سمبل‌های ذاتی غیر مادی که منظر بر آن‌ها دلالت می‌کند [Antrop, 2006,188].

کاراکتر منظر به عنوان توضیحی از یک هویت منحصر به فرد از یک منطقه یا یک کشور مورد توجه قرار می‌گیرد که توسط افرادی که در آنجا زندگی می‌کنند، شکل گرفته است. بنابراین منظر به بطن یک جامعه بر می‌گردد [Perdoli,2000:221]. منظر قابل مشاهده و تماشایی و معنای شناختی آن ارتباط نزدیکی با منظر به عنوان یک مسیر از زمین دارد که تحت مالکیت و مدیریت افراد است [Cosgrove, 2002:260]. بنابراین تغییرات سریع و بدون مطالعه منظرها توسط بشر به عنوان یک تهدید به حساب می‌آید. انسان در تعادل با محیط بسیار دینامیک جدید احساس ناراحتی می‌کند و ممکن است به سختی با منظری که مدام در حال تغییر است سازگار شود [lorzinq, 2001:175]. آشکار است که منظرها بخشی از میراث فرهنگی بشر هستند و این میراث به عنوان بخشی از سرمایه ذهنی و فکری مورد توجه و مهم است [Antrop,2006:189].

کاسگروف معتقد است منظر را از دو مبحث کلی می‌توان دید:

اول رویکرد اکولوژیکی که بر فرایندهای انفعالی بین طبیعت و انسان متمرکز می‌شود و دوم

که وی آن را جنبه رمزی، نامیده است به معنای فرهنگی، متن و زمینه و فرایندهای منظر که در شکل دهی به محیط مؤثرند، اطلاق می‌شود. [Cosgrove, 2003] این رویکرد دوم ارتباط آشکاری با مفاهیم انسانی و فرهنگی و ذهنی بشر دارد.

اساس همه جانبه معماری منظر به معنای تلفیق بین جنبه‌های طبیعی و انسانی در یک حالت پایدار است. حفظ ارزش‌های موروثی، فرهنگی - طبیعی منظرها به پایداری ارزش‌های موجود در مداخلات محیطی می‌انجامد [Antrop, 2006;190]. بنابراین برای این که بتوانیم اخلاقیات را در زندگی خود حاکم کرده و به مدد آن بقای خود را تضمین نماییم ابتدا باید بپذیریم محیط‌هایی که در آن زندگی می‌کنیم متأثر از ذهنیت بوده و با افراد بشر در ارتباطند. این حقیقتی است که از اتویپای مدرن بسیار فراتر می‌رود و فقط مناظرند که به طور روزمره آن را به ما نشان می‌دهند (برک، ۱۳۸۷: ۸۹).

اصول مهم و حیاتی برای تداوم در آینده معماری منظر

همانطور که اشاره شد، منظر محصول یک تعامل میان انسان و محیط است و بالطبع تنها در محیط نمود ندارد، بلکه انسان و مفاهیم بنیادین و اعتقادی وی در تعریف آن حائز نقش است. منظر پدیده‌ایست که در اثر توجه به محیط با هدف مطلوب ساختن فضاهای بیرونی و محیط، برای انسان هوشمند و ذی روح به کار می‌آید (منصوری، ۱۳۸۳). به عبارت دیگر، منظر موجودی است پویا که محصول تعامل انسان با محیط و عین با ذهن





است. این که موجودی است پویا، بدین معنی است که ثابت نبوده و همواره در حال تغییر و دگرگونی است.

در سرتاسر جهان، مسأله‌های پیچیده از قبیل جهانی شدن، تغییرات اقلیمی، دینامیک آب و زندگی چند فرهنگی توسعه‌های فضایی امروز را شخصیت بخشیده اند؛ چه در مقیاس محلی، شهری و یا منطقه‌ای). تضاد سنتی بین شهر و حومه تقریباً به طور کامل حل نشده و پدیده فضایی پیچیده، باز و نامشخصی که فراتر از مرزهای اداری گسترش یافته و پدیدار شده اند، به نام منظر شهری را شکل داده است. منظرهای شهری متغیر، گسترش پیدا می‌کنند فراتر از مرزهای اداری و توسعه‌های آن، غیر قابل پیش بینی می‌شوند. منظر شهری نیازمند دید جدید و بنیادین و روش عمل برای بکارگیری خلاقیت متناسب با پیچیدگی آن است. (Werner; 2009)

هدف طراحی و معماری منظر ایجاد ساختارهای سودمند و قابل تنظیم، بافت‌های منظر شهری، شبکه‌های اصلی، خیابان‌ها، پیاده‌راه‌ها، میدانی، زیرساخت‌های اجتماعی و فنی می‌باشد. ارزیابی طراحی منظر ساختارگرا این پژوهش را با کار ساختارگرای دلوز ترکیب می‌کند. ساختارگرایان سه لایه را تمیز می‌دهند: واقعی، تخیلی و سمبلیک. لایه سمبلیک به نظم دهی لایه‌های تخیلی و واقعی می‌پردازد: "واقعیت بدون سمبل کمتر از هیچ چیز است (Damyanovic; 2009)."

بر اساس آنچه گذشت و ماهیت میان رشته‌ای بودن معماری منظر، توجه به یک سری اصول و واقعیت‌ها جهت تداوم این رشته و ارتقای کیفیت محیط شهری، الزامی است که در ادامه به برخی از این موارد اشاره می‌شود: (Langhorst;2009)

۱. منظر یک اتفاق است. معماری منظر شامل کوچکترین قسمت مناظر نیز می‌باشد. حتی جایی که معماری منظر به ساماندهی مقیاس‌های بزرگتر می‌پردازد، همچنان تأثیر تاریخی خود را آگاهانه بر کوچکترین جزء برنامه ریزی و پروژه‌های ساختمانی می‌گذارد.

۲. منظر فرایند است. منظر یک محصول نیست که تولید شود.

مناظر بطور پیوسته در حال تحول هستند؛ با یا بدون هرگونه اعمال دخالت انسان. در حالی که "بقیه" طبیعت، بهره‌برداری از طبیعت را برای پیشرفت برنامه‌های انسانی ممکن می‌سازد، مناظر تقریباً به عنوان واسطه‌ای برای درک سیستم‌های طبیعی و فرهنگی و به عنوان سیستم‌های اتصال دهنده، جدایی‌ناپذیر و شبکه‌ای، هستند. این درک هم برای شناسایی پتانسیل‌های منظر به عنوان سازمان و منبع سکونت معنادار و هم معماری منظر به عنوان رشته‌ای پیوند دهنده میان انسان و محیط اطراف، بسیار مهم و ضروری می‌باشد (

Harvey1996,120-75 & 210-40).

این تغییر پیوسته که منظر را شکل می‌دهد، ("فرایند" بودن منظر)، (Berleant1992) فرض کلیدی منظر را به چالش می‌کشد؛ توانایی کنترل و پیش‌بینی شرایط مختلف منظر. هر پروژه یک محصول قلمداد می‌شود، کالایی در بازار که مشمول شرایطی است که در آن ساخته شده است؛ حال آن که منظر ساخته نمی‌شوند - این یک اشتباه بدیهی است که ریشه در آرمان‌گرایی توصیفی (شرایط اهداف ایستایی که بیشتر بر فرم تمرکز دارد تا عملکرد) دارد. حتی اگر این شرایط تغییر کند، منظر بلافاصله به متغیرهای جدید، با تغییر و انطباق بیشتر، واکنش نشان می‌دهد.

معماری منظر در مقابل واکنش سیستم به جای تمرکز بر تشریح شرایط هدف، باید بطور پیوسته در پروژه نقش مؤثر داشته باشد. ساختن (تنها به عنوان گام اول مشارکت در تحولات پیوسته هر پروژه منظرین) نقش ضوابط را بیشتر به قوانین بلند مدت یا قوانین ناظر بر تغییر؛ رابط بین فرایندها و عوامل اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی- زیست محیطی، تغییر می‌دهد.

۳. منظر یک مسیر است، نه یک هدف. معماری منظر باید به بازتعریف پروژه نه به عنوان یک محصول بلکه به عنوان تحول هدایت شده در حال جریان، بپردازد و منظر را مدیریت کند.

منظر مجموعه‌ای از سیستم‌های شبکه‌ای می‌باشد. (Skyttner2006, Wolfe1998) مقدار متغیرها، حتی در یکی از این سیستم‌ها، برای پیش‌بینی چگونگی پاسخگویی منظر به متغیرهای ورودی خاص حتی با دقت پایین نیز بسیار مؤثر است. (Waldrop 1992) انگاره کنترل مرکزی برای ایده منظر به عنوان ساختمان، فقط با تمرکز بر ویژگی‌های ظاهری و فرمی منظر، مثل بعد فضایی و مصالح، می‌تواند پایدار باشد و وقتی به مرحله اجرای طرح می‌رسد، هر پیش‌بینی انجام شده‌ای نادرست بوده و مملو از عدم قطعیت‌ها می‌شود.

معماری منظر باید با این عوامل پایان ناپذیر تعامل برقرار کند و مسئولیت آن‌ها را در طرح‌ها و سناریو‌ها به عهده داشته باشد؛ این مسئولیت شدیداً نیازمند درک نسبت‌ها می‌باشد. برعکس، گمانه‌زنی در خصوص شرایط و فرایندهای آینده منظر بر پایه تجزیه و تحلیل دقیق فرایندها و ویژگی‌های سیستمی در حال حاضر و آینده، استوار می‌باشد و در بهترین شرایط گستره‌ای از فرایندها و

ویژگی‌های متنوع را ارائه خواهد کرد که مبتنی بر رویکردهای افزایشی و سناریو محور خواهد بود.

۴. معماری منظر بطور معمول گرفتار مسائل برنامه‌ریزی و یا عملکردگرایی است که منجر به انعطاف‌ناپذیری و محدودیت اهداف منظرین می‌شود.

تغییر مناظر از وضعیت موجود به وضعیت برتر بر پایه عملکردهای تحقق‌پذیر، امکان‌پذیر است. اما اغلب مناظر امروز در حوزه هدف، محدودند و عوامل محیطی غیر فعال قلمداد می‌شوند؛ بطوری که کاربری زمین بر اساس نیازمندی‌های عملکردی، پیش‌بینی و تحمیل می‌کند. در این زمینه می‌توان به توسعه خانه‌های ردیفی در امریکا اشاره کرد. این خانه‌ها اهداف از پیش تعیین شده‌ای برای توسعه در موقعیت یا مکان خود دارند.

این رویکرد برنامه‌مدار نیازمند محو شدن آگاهانه نیروهای قوی و متنوع محیطی و کیفیت‌های لازم، جهت آماده کردن سایت برای دریافت عناصر برنامه می‌باشد؛ تنزل مکان به یک فضای خالی. با استفاده از فرم‌های تثبیت شده پروژه، طراح به تنزل مکان سوق داده می‌شود، بدین ترتیب، به شرط پذیرش شرایط ثابت، اغلب مانع مفهوم سازی و تحقق‌پذیری دخالت‌های انسان- محیطی تطبیقی پیچیده‌تر می‌شود. (مانع اصل انعطاف‌پذیری مکان)

۵. پروژه‌های منظر با حالت‌های ثابت نمایش در آغاز کار و ارائه، محدود می‌شوند، بخاطر درک ثابت از واقعیت‌ها و فرایندهایی که منظر را شکل می‌دهند.

معماری منظر باید قابلیت پیچیده‌تر و چالش برانگیز تر نشان دادن فرایندها (بطور مثال: الگوهای موفق بلند مدت) فراتر از قالب خشک نموداری را داشته باشد، تا در نتیجه بتواند پروژه‌ای را که با این



است و نیازمند تلفیق رشته‌های مختلف دانش می‌باشد.

نتیجه‌گیری

شهر تنها در کالبد خلاصه نمی‌شود، بلکه علی‌رغم اقدامات کالبدی صرف در شهر، روحی در آن جاری است که همزمان و توأمان حاصل تعاملات اجتماعی و حیات مدنی در فیزیک و کالبد شهر است. حال آن‌که معماری منظر، دانشی که اخیراً به‌طور جدی وارد فضای علمی و حرفه‌ای شده و به دلیل همین نوپا بودن چالش‌هایی را پیش رو دارد، دیدگاهی جدید در ارتباط انسان و محیط ارائه می‌دهد که به تفسیر فضا می‌پردازد؛ از مکان به عنوان وجود واحدی یاد می‌کند که دو بخش بیرونی (ماده) و درونی (ذهنی) آن قابل تفکیک نیستند. بنابراین، فهم عمیق معماری منظر کمک‌شایانی در ادامه حیات شهرهای امروزی دارد. طبیعت و محیط نیز نقش بسیار مهمی در محتوای منظر و مفهوم آن دارد. محیط‌نگامی مفهوم منظر را دربر دارد که مردم بتوانند آن را درک کنند؛ بنابراین، تفاوت‌هایی متناسب با شناخت درونی انسان‌ها از آنچه به عنوان منظر نمادسازی می‌شود، وجود دارد. منظر پدیده‌ایست عینی-ذهنی که در اثر توجه به محیط با هدف مطلوب ساختن فضاهای بیرونی و محیط، برای انسان هوشمند و ذی‌روح به کار می‌آید. از طرفی با توسعه محیط مصنوع و گسترش حرفه‌دانش‌های مختلف، همپوشانی و نفوذ حوزه‌های فعالیتی و خلط برخی موضوعات و مباحث میان دو رشته معماری منظر و طراحی شهری، منجر به شکل‌گیری نوعی خلاء و ابهام میان آن‌ها در مواجهه با ساخت محیط مصنوع و

فرایندها درگیر است، به سرانجام برسانند. سایر ابزارهای نمایش با قابلیت توصیف و تجزیه و تحلیل تغییرات پویا و کیفیت‌های تجربی، باید جهت شناسایی ویژگی‌های ارزشمند و غیرمنتظره سایت که ناشناخته مانده‌اند، استانداردسازی شوند. بدین ترتیب، پروژه‌ها تطبیقی‌تر خواهند شد و با تجربه واقعی از مناظر ارتباط برقرار می‌کنند، امکانات بیشتری برای تعاملات، مشارکت‌ها و پدید آوردن معنا و خاطره، ارائه می‌دهند.

۶. معماری منظر ریسک‌پذیر است. هر عمل طراحی معماری منظر یک تجربه است. درگیر کردن این عدم قطعیت‌های ذاتی مستلزم ریسک‌پذیری است؛ "ریسک‌پذیری" کلید پیشبرد پروژه‌های تطبیقی، پاسخگو و مناسب می‌باشد. معماری منظر اغلب بر دانشی شامل درجات مختلف تقلیل، قیاس، قطعیت و برگشت‌پذیری تکیه دارد. روش مؤثرتر کنترل ریسک‌ها و خطرات می‌تواند انتخاب رویکردهای افزایشی، با مراحل بالقوه برگشت‌پذیر در طول برنامه‌های فرادست بزرگتر باشد. در این صورت ایده پروژه معماری منظر باید به منظور "فرایندی بودن" نسبت به "محصول بودن" دوباره مفهوم‌سازی شود.

۷. معماری منظر باید بطور پیوسته و جدی مفروضات، روش‌ها و نتایج خود را بیازماید. تفسیر معماری منظر به عنوان هنر و علم کاربردی، اشتباه می‌باشد. رشته‌های کاربردی در حالت کلی بر دانش به عنوان محصول قابل عرضه تمرکز دارند و نسبت به پیشرفت‌های مداوم و مهم دانش در آینده بی‌اعتنا هستند. با یک قضاوت بی‌طرفانه، اکثر کیفیت‌ها و معیارهایی که اندازه‌گیری نتایج را ممکن می‌سازد، عوامل کیفی طبیعت هستند. بکارگیری و اندازه‌گیری این عوامل بسیار دشوار



- طبیعی در شهرها شده است. حال آن که طراحی شهری به موضوعات، عمدتاً دیدی کالبدی دارد در حالی که هدف از معماری منظر انسانی کردن محیط (تبلور ذهنیت) و سامان دادن به محیط (تبلور عینیت) است. معماری منظر پدیده است متافیزیکی و با روح مکان در ارتباط است؛ سامان دهی آن قسمت از محیط را هدف قرار می دهد که بواسطه ادراک انسان درک می شود و حافظه جمعی طبیعت و فرهنگ را در خود جای داده است. بنابراین، منظر به بطن یک جامعه بر می گردد و بخشی از میراث فرهنگی بشر هستند و این میراث به عنوان بخشی از سرمایه ذهنی و فکری مورد توجه و مهم است. بنابراین تصمیم گیری در این حیظه بسیار حساس است. در عین حال منظر موجودی است پویا که محصول تعامل انسان با محیط و عین با ذهن است؛ بدین معنی که ثابت نبوده و همواره در حال تغییر و دگرگونی است. این که منظر از ضوابط آینده شناخته شود، اقدامی آینده نگر برای مسائل جامعه فرداست؛ اساس همه جانبه منظر به معنای تلفیق بین جنبه های طبیعی و انسانی در یک حالت پایدار است. منظر در جهان آینده عهده دار مسئله نیاز انسان به مکان آشنا و مطلوب است و تغییرات سریع و بدون مطالعه منظرها توسط بشر به عنوان یک تهدید به حساب می آید. در نتیجه می توان با رعایت اصول محوری و واقعیت ها در جهت تداوم این رشته و ارتقای کیفیت محیط شهری گام برداشت.
۲. بل، سایمون (۱۳۸۲)، منظر، الگو، ادراک، فرایند، ترجمه بهناز امین زاده، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۳. برگ، آگوستین (۱۳۸۷)، منظر، مکان، تاریخ، ترجمه: مریم منصوری، مجله باغ نظر، شماره ۹.
۴. پاکزاد، جهانشاه، زمستان ۱۳۸۵، "سیمای شهر و آنچه کوین لینچ از آن می فهمید"، فصلنامه شهرسازی و معماری آبادی، سال شانزدهم، شماره ۵۳.
۵. پاکزاد، جهانشاه (۱۳۸۵)، مبانی نظری و فرایند طراحی شهری، تهران، انتشارات شهیدی.
۶. تقوایی، حسن (۱۳۹۱)، معماری منظر؛ درآمدی بر تعریف ها و مبانی نظری، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران
۷. توماس مک دونالد، برایان؛ ترجمه جهانشاه پاکزاد، سولماز حسینیون (۱۳۸۶) و مستندسازی طراحی منظر، تهران، انتشارات شهیدی
۸. رزاقی اصل، سینا، پاییز و زمستان ۱۳۸۷، "شهرسازی منظر: رویکردی نوین در معماری منظر و طراحی شهری"، مجله باغ نظر، شماره ۱۰، سال پنجم، تهران، مرکز پژوهشی هنر و معماری منظر.
۹. رزاقی اصل، سینا، پاییز و زمستان ۱۳۸۸، "پیشنهاد سازوکاری برای رفع ابهام معماران منظر و طراحان شهری در حوزه های مشترک"، مجله باغ نظر، شماره ۱۲، سال ششم، تهران، مرکز پژوهشی هنر و معماری منظر.

مراجع

۱. اسپیرن، آن ویستون (۱۳۸۴)، زبان منظر، ترجمه سید حسین بحرینی و بهناز امین زاده، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.



- ۲۳، صفحه ۵۶-۵۷، تهران، مرکز پژوهشی هنر و معماری منظر.
20. Antrop, M., 2006. Sustainable landscapes: contradiction, fiction or utopia? *Landscape Urban Plan* 75 (3-4), 187-197.
21. Austad, I., 2000. The future of traditional agriculture landscapes: Retaining desirable qualities. In: Klijn, J., Vos, W. (Eds.), *From Landscape Ecology to Landscape Science*. Kluwer Academic Publishers, WLO, Wageningen, pp. 43-56.
22. Cosgrove, D., 2002. Landscape and the European sense of sight – eyeing nature. In: Anderson, K., Domosh, M., Pile, S., Thrift, N. (Eds.), *Handbook of Cultural Geography*. SAGE Publications, London, pp. 249-268, Chapter 12.
23. Cosgrove, D., 2003. Landscape: ecology and semiosis. In: Palang, H., Fry, G. (Eds.), *Landscape Interfaces. Cultural Heritage in Changing Landscapes*. Kluwer Academic Publishers, Dordrecht, pp. 15-20.
24. Council of europ.2000. the European landscape convention
25. Damyanovic, Herta, Doris; Roither, Antonia. (2009). *The Method of Structuralist Landscape Planning Assessment. Landscape-Great Idea! X-LArch III*, 2009 1st Vienna Conference
26. Langhorst, Joern; Kambic, Kathy. (2009). "massive change required-nine axioms for the future of landscape (architecture)". *Landscape-Great Idea! X-LArchIII*, 2009 1st Vienna Conference.
27. Lorzing, H., 2001. *The Nature of Landscape. A Personal Quest*. 010 publishers, Rotterdam, p. 176.
28. Makhzoumi, J.Pungetti,G, (1999), *Ecological landscape Design and Planning:The Mediterranean Context*, E & FN Spon, London and New York.
29. Pedroli, B. (Ed.), 2000. *Landscape – Our Home. Lebensraum Landschaft.Essays on the Culture*
۱۰. رزاقی، سینا، رساله دکتری ۱۳۹۰، "تبیین ساز و کار مشترک معماری منظر و طراحی شهری"، دانشگاه علم و صنعت، دانشکده معماری و شهرسازی.
۱۱. سریری، عاطفه (۱۳۹۲)، معماری منظر، انتشارات کتابکده کسری، مشهد.
۱۲. سوافیلد، سایمون (۱۳۹۰)، نظریه در معماری منظر، ترجمه محسن فیضی، مهدی خاک زند و سینا رزاقی اصل، تهران، نشر فرهنگ متین.
۱۳. عمید، حسن (۱۳۵۳)، فرهنگ عمید، سازمان انتشارات جاویدان، تهران
۱۴. ماتلاک، جان (۱۳۷۹)، آشنایی با طراحی محیط و منظر، سازمان پارکها و فضای سبز شهر تهران، تهران
۱۵. معین، محمد (۱۳۵۰)، فرهنگ معین، بی نا، تهران
۱۶. منصوری، سید امیر (۱۳۸۳)، "درآمدی بر شناخت معماری منظر"، فصل نامه باغ نظر، سال اول، شماره دوم، تهران، مرکز پژوهشی هنر و معماری منظر.
۱۷. منصوری، سید امیر، حبیبی، امین، پاییز و زمستان ۱۳۸۹، "تبیین و ارزیابی مولفه های موثر بر ارتقای نقش منظر در پایداری محیط"، فصل نامه باغ نظر، شماره ۱۵، سال هفتم، تهران، مرکز پژوهشی هنر و معماری منظر.
۱۸. منصوری، سید امیر (۱۳۸۹)، "چستی منظر شهری"، مجله منظر، سال دوم، شماره نهم، تهران، مرکز پژوهشی هنر و معماری منظر.
۱۹. منصوری، سید امیر، پاییز ۱۳۹۲، "فرهنگ منظرین ایران"، مجله منظر، دوره ۵، شماره



- of the European Landscape as a Task. Indigo. Zeist – FreiesGeistesleben, Stuttgart
30. Werner, Julia. (2009). Urban Landscape need great ideas! Landscape-Great Idea! X-LArchIII , 2009 1st Vienna Conference

